

نگاه **زکبه عاقلی**؛ تاریخ‌پژوه

تکامل رفتاری بانوان ایرانی

در سفر حج، در دهه‌های ۷۰ و ۸۰

## حج نگاشت‌هایی که با نازک‌اندیشی زنانه پیوند خورده

اگر در محتوای سفرنامه حج زنان با محتوای سفرنامه‌های مردان، در سفری خاص مانند حج مقایسه به عمل آید، جدای از نکات معرفتی و معنوی مشترک، دو نکته مهم به‌عنوان ریزبینی و ظرافت‌های زنان در بیان حوادث و شرایط سفر حج است و نکته دوم توجه ویژه بانوان سفرنامه‌نویس، به مسائل مربوط به همجنس‌ان خویش است. این توجه به رفتار، حالات و شرایط زنان زائر ایرانی و غیر ایرانی راه تقریباً می‌توان در تمام سفرنامه‌هایی که بانوان از سفر حج نوشته‌اند، دید. توصیف حالات روحی و مواجهه بانوان زائر ایرانی با زنان زائر از کشورهای دیگر، از تباط‌گیری با آنها، توصیف زنان و دخترکان سیاه‌پوستی که در مکه به گدایی مشغول هستند، توصیف نحوه نماز و قرآن خواندن زنان زائر از ملیت‌های مختلف و مقایسه آنها باهم، در کتاب‌هایی چون «گل‌ریزان معشوق و اشک‌ریزان عاشق» سفرنامه حج عصمت عرب، «خاطرات سفر ناشناخته» سفرنامه حج مریم گوینده و «تولدان طلا» که حاوی خاطرات حج عمره دانشجویی فاطمه کهرپایی است، دیده می‌شود.

در واقع بانوان سفرنامه نویس با نگاه زنانه و عاطفی خود، توانسته‌اند تصویری جالب از وضعیت فکری و فرهنگی بانوان زمانه خویش را به مخاطب نشان بدهند. حتی از خلال سفرنامه‌های بانوان ایرانی، می‌توان تفاوت البته پیشرفت فرهنگی ایشان را نیز به وضوح درک کرد. مثلا زهرا زوربان، از بانوان داستان‌نویس و پژوهشگر عرصه ادبیات داستانی کشورمان که بیش از ۵۰ کتاب و رساله و مقاله دارد، در سال ۱۳۷۲ شمسی به حج تمتع رفته و رهاورد آن سفر برای ما، سفرنامه‌ای شده به نام «شهبستان دل».



نمایی از حجاج زن ایرانی در احرام

## جدای از نکات معرفتی و معنوی مشترک در حج نگاشت‌های بانوان، دو نکته مهم به‌عنوان تفاوت نگاه زنان سفرنامه‌نویس یا مردان، به چشم می‌آید. نکته اول ریزبینی و ظرافت‌های ایشان در بیان حوادث و شرایط سفر حج است و نکته دوم توجه ویژه بانوان سفرنامه‌نویس، به مسائل مربوط به همجنس‌ان خویش. این توجه به رفتار، حالات و شرایط زنان زائر ایرانی و غیرایرانی را، تقریباً می‌توان در تمام سفرنامه‌هایی که بانوان از سفر حج نوشته‌اند، مشاهده کرد

زواربان در سفرنامه‌اش که هم‌وجه ادبی دارد و هم عرفانی، ضمن توصیف حالات معنوی همسفران، بسه توصیف شوگردگی بانوان ایرانی پشت دیوار بقیع می‌پردازد. اما وقتی شروع به توصیف پوشش و حجاب زنان زائر غیرایرانی و مقایسه آن با بانوان ایرانی می‌کند، تک‌درد بی‌نظمی در پوشش بانوان ایرانی را، می‌توان از لایه‌ای لایه‌هاش حس کرد. او از پوشش (ماتو و شلوار) و حجاب یکدست و سفیدرنگ زنان ترکیه تعریف می‌کند و همچنین از کار دستی (گلدوزی و شماره دوزی) زنان اندونزیایی، روی خاشیه پایین مقنعه‌های بلندشانی می‌نویسد؛ و از آن ذوق و سلیقه زنانه تمجید می‌کند. حتی یکدست بودن حجاب زنان عرب (چادر و روبنده) را هم، نوعی از نظم پوشش آنها می‌داند. حتی از حجابی که در آن زمان، در میان بخشی از بانوان سننتی ایرانی رایج بوده، شکایت می‌کند. زیرا در آن سال‌ها بانوانی بودند که زیر چادر خود روسری یا مقنعه سر نمی‌کردند و با اندک غفلتی در رو گرفتن، مو و گردنشان پیدا می‌شده است. به همین ترتیب زواربان، در صفحاتی که به توصیف حجاب بانوان کشورهای مختلف می‌پردازد، آرزو می‌کند که کاش حجاب بانوان زائر ایرانی یکدست، زواربان و سلیقه و منظم شود. آن‌وقت درست برعکس زهرا زوربان، مرضیه داوودپور که پزشکی مشهودی است و در سال ۱۳۸۵ شمسی به سفر حج تمتع رفته است، در سفرنامه‌اش با عنوان «خانه دوست اینجاست»، از وضعیت پوشش بانوان ایرانی با تمجید یاد می‌کند.

در واقع به‌دلیل گذشت زمان و پیشرفت فکری و فرهنگی بانوان ایرانی و البته با ابتکار و مدیریت بهت همبرمی در امور حج، پوشش ظاهری بانوان زائر ایرانی در حج تفاوت می‌کند، به‌طوری‌که داوودپور در سفرنامه حج خود موقع پرداختن به همین موضوع، اطلاعاتی به خواننده می‌دهد که مخاطب متوجه می‌شود بانوان زائر ایرانی، با پوشیدن چادرهای یکدست و سفید احرام، نظمی مثال‌زدنی در پوشش نسبت به بانوان زائر برخی از کشورهای، در زمان انجام اعمال حج پیدا کرده‌اند. داوودپور حتی در برخی از قسمت‌های سفرنامه‌اش، از نوع حجاب بعضی از بانوان آفریقایی شکایت می‌کند و آن را مناسب فضای حج نمی‌داند.

### گزارش

**انوشه میر میر عشی**

روزنامه نگار

حج ناصر خسرو و قبادیانی، نخستین سفرنامه حج به زبان فارسی است که حاوی نکات بسیار جالب توجه و بیان‌کننده تاریخ زمانه اوست. با این همه پس از آن سفرنامه، حج‌نگاری در میان ایرانیان چندان رونقی نداشت، تا دوره قاجار به. در این دوره است که بسیاری از علما، درباریان و شاهزاده‌های قجری و دست به قلم شده و خاطرات و یادداشت‌های خویش از سفر حج را نگاشته‌اند. این روند با کمی رکود، در دوره پهلوی هم ادامه پیدا کرد. اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی و بازآزادیاد سفرهای عمره و واجب‌میان ایرانیان، نوشتن سفرنامه حج رشد کمی و کیفی فراوانی پیدا کرد. در مقال ذیل آمده، نگاهی داشته‌ایم به سیر محتوایی سفرنامه‌های حج ایرانیان، به‌عنوان یک منبع مهم شناختی در حوزه تاریخ. امید آنکه مفید آید.

**یادداشت‌های راه سفر، حجیم‌تر از خود سفر**
سفرنامه‌ها در شکل عام خویش، علاوه بر اینکه یکی از منابع مهم شناختی در حوزه مسائل دینی، فرهنگی، جغرافیایی و سیاسی است، یک منبع مهم در حوزه تاریخ هم هست زیرا سفرنامه‌نویس، ناخودآگاه ضمن شرح حوادث روزگار خود در دوره حج، اطلاعاتی را درباره شرایط تاریخی زمانه‌اش نیز به مخاطب ارائه می‌کند. به‌طورمثال یکی از تفاوت‌های عمده سفرنامه‌های حج دوران قاجار و قبل از آن با سفرنامه‌های حج امروز، تفاوت رویکرد آنها در بیان حوادث مسیّر سفر است زیرا برعکس امروز که رسیدن به مکه، از نقطه حرکت مبدأ «حجاج» با وسایل حمل‌ونقل امروزی به‌ویژه هواپیما بسیار سهل و سریع انجام می‌شود، سفر حج در گذشته و رسیدن از شهر مبدأ تا مکه، کاری بسیار سخت و طاقت‌فرسا بوده است. به همین علت، عموم سفرنامه‌نویسانی که تا اواخر دوره قاجار سفرنامه حج نوشته‌اند، بخش زیادی از یادداشت‌های خود را به توصیف مناظر مسیّر سفر، از مبدأ تا رسیدن به مکه اختصاص داده‌اند. اشاره به مخاطرات راه به‌ویژه وجود راهزنان و قطاع‌الطریق باجگر، بیان حوادثی که برای هم‌کاروانی‌ها اتفاق می‌افتاده، شرح تحمل گرسنگی و تشنگی، شیوع بیماری‌ز و فوت همراهان و… از جمله آن سختی‌ها بوده‌است.

این مسئله اما در روزگاری که حاجی باید مسیری طولانی و سخت را برای رسیدن به خانه خدا طی می‌کرده، عجیب نبوده‌است. مثلا میرزاعبدالحسین‌خان افشار ارومی (از امرا و نظامیان زمان ناصرالدین شاه قاجار)، بخش اعظم سفرنامه حج خود را، به شرح سفر ده ماهه از تهران به قزوین، رشت و انزلی و یادکویه و از آنجا به تفلیس و استانبول و سپس ادامه سفر با کشتی به جدّه و مکه راه به شکل یادداشت‌های روزانه اختصاص داده‌است. او در این سفرنامه به سختی‌های سفر و منازل پرخطر در مسیر، اشارات بسیار کرده‌است؛ یا سفرنامه همسر عمادالملک (دختر مبارک میرزا نوادگان فتحعلی‌شاه قاجار) از سفر به عنایت‌عالیات و مکه و مدینه که از دوره ناصرالدین شاه به یادگار مانده‌است، هم‌نکات بسیار جالبی درباره مخاطرات بحرانی کشور عراق دوره، به‌ویژه ابتلای هم‌کاروانی‌ها به انواع بیماری‌ها و فوت ایشان در مسیر و حتی سختی‌های طاقت‌فرسای سفر با کشتی، از بصره به جدّه دارد.<sup>۱</sup>

همچنین سفرنامه میرسیداحمد هدایتی تولیت حرم مطهر حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) که در اواخر دوره قاجار یعنی در خرداد ۱۲۹۹.ش راهی سفر حج می‌شود، هم از این منظر قابل تأمل است. او همراه با جمعی از مردمی که قصد زیارت خانه خدا را کرده بودند، ابتدا از راه کرمانشاه قصر شیرین به عراق سفر کرده و پس از زیارت نجف و کربلا، کاظمین و سامرا به بصره می‌رود و با کشتی بهسوی جزیرالعرب حرکت می‌کند، اما گرفتار شبح‌بحرانی کشور عراق می‌شود. هدایتی درباره وضعیت عراق در آن مقطع می‌نویسد: «وضعیت عراق عرب در این اوقات خیلی متقلب و از آسال قبل تاکنون که تحت اشغال نظامی حکومت انگلیس در آمده، هنوز یک صورت رسمی به‌خود نگرفته. قبایل اعراب و سکنه شهرها، همگی اظهار نفرت نسبت به دولت مزبور می‌نمایند و مطالبه استقلال می‌کنند. طیاره‌های انگلیسی هم‌پرایا خافه (ترساندن) اهالی، دائما در هوای عراق جولان می‌دهند و از شهری به شهر دیگری می‌روند و هر جا دسته‌جات

## تاریخ



خانه کعبه در سال‌های دور

نگاهی به سفرنامه‌های حج ایرانیان، به مثابه منبعی شناختی

# آینه حال و قال مردمان ادوار

چو چشم‌زان حرم گردید روشن

تو گویی کرد رجعت روح در تن<sup>۲</sup>

واقعیت این است که توجه به معنویات سفر و درک معرفتی تو از آن، در سفرنامه‌های حج دوره قاجار کم‌رنگ است، اما در سفرنامه‌های حج دوره پهلوی از جمله در سفرنامه آیت‌الله سیدمحمود طالقانی، جلال آل احمد و دکتر علی شریعتی به وضوح دیده می‌شود. چنانچه جلال آل احمد در بخش مناسک حج تمتع می‌نویسد:

«هراسم مسجد و بعد سوارشدن و آمدن و آمدن. سقف آسمان بر سر و ستاره‌ها چه پایین. و آسمان عجب نزدیک و من هیچ شبی چنان بیدار نبوده‌ام و چنان هوشیار به هیجی. زیر سقف آن آسمان و ابدیت، هر چه شد که از بر داشتم، خواندم. به زمزمه‌ای برای خویش و هر چه دقیق‌تر توانستم در خود نگر بستم، تا سینه‌دهم دیدم و دیدم تنها کسی است که به میقات آمده و نه کسی و نه میعادای و دیدم که وقت ابدیت است. میقات در هر لحظه‌ای و هر جا، و تنها با خویش، چرا که میعاد جای دیدار توست با دیگری. اما میقات زمان دیدار است و تنها با خویشن و دیدم گرچه باید آغاز کرد که توجه به امور انسانی و معرفتی در دهه‌های اخیر بیشتر شده، اما این موضوع در سفرنامه‌های قدیمی هم دیده می‌شود. به‌طورمثال یکی از قدیمی‌ترین سفرنامه‌های حج، باقی‌مانده از دوران صفوی که نوشته‌ش یک بانوی ایرانی است، «سفرنامه منظوم حج بانوی اصفهانی» است. متأسفانه درباره هویت نویسنده، اطلاعات چندانی در دسترس نیست. تنها همین‌که نامش «شهربانو بیگم» است و از سادات اردوباد، ام‌وی خود را همسر میرزا خلیل یکی از منشی‌های دیوان عالی شاه سلطان حسین صفوی معرفی می‌کند او در ابتدای سفرنامه منظومش (همه سفرنامه به زبان شعر است)، توضیح می‌دهد که پس از فوت همسر عزیزش، نتوانسته غم فراق میرزا خلیل را تحمل کند و برای تسکین غم از دست‌دادن همسر، عزم سفر حج می‌کند. احساسات زنانه، در سفرنامه همسر میرزا خلیل موج می‌زند. او از دیدن چند تنه از اوقاش در منطقه دولت‌آباد قزوین، بسیار ذوق‌زده می‌شود و یا مثلا وقتی در طول سفر با سختی‌ها و ناامنی‌ها منطقه تحت سلطه عثمانی‌ها مواجه می‌شود، از ترس‌ها و اضطراب‌هایش سخن می‌گوید و حتی چون خیلی به شهر اصفهان علاقه داشته، وقتی به شهر حلب (در سوریه امروزی) می‌رسد و بازارها و کوچه و خیابان‌های آنجا را ششبه اصفهان می‌یابد، خوشحالی‌اش را اینگونه بیان می‌کند:

شبه اصفهان دیدم حلب را
به ایران توأمان دیدم حلب را
این باسو وقتی به شهر مکه می‌رسد، به توصیف دیده‌هایش می‌پردازد:
به سنگستان کعبه رو نهندند
غم و اندوه را یکسر نهندند
ز بعد چار فرسخ، پنجم‌ماه
نمایان گشت چون نه کعبه‌الله

سپس شروع به توضیح دادن اعمال حج می‌کند:

سحر چون خور برآورد از افق سر

روان گردیدم از وادی معشر

چون زد جمره عقبی رسیدم

عنان مجمل خود را کشیدم

به فرمان خداوند یگانه

پس آنکه در منی خرم تکبدم

جمل از بهر قربانی خریدم.

علاقه شهربانوبیگم به خاندان رسول‌الله(ص) در

اعشارش عیان است. به‌ویژه وقتی به مدینه می‌رسد

و می‌بیند که در حرم ائمه بقیع بوریا پهن شده است،

خیلی ناراحت می‌شود و آرزو می‌کند که شاه ایران،

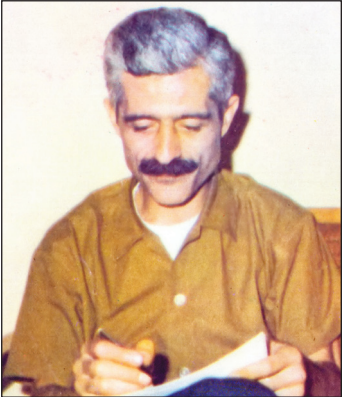
برای آن حرم‌های مطهر فرش بفرستد:

ز فرقت شرخه شرخه گشت سینه

رسیدم تا به نزدیک مدینه

ز شوق مرقد طه و یاسین

فراق کعبه قدری یافت تسکین



**جلال آل احمد در خسی در میقات:**

**«آسمان عجب نزدیک و من هیچ شبی**

**چنان بیدار نبوده‌ام و چنان هوشیار به**

**هیچی، زیر سقف آن آسمان و ابدیت،**

**هر چه شعر که از بر داشتم خواندم، به**

**زمزمه‌ای برای خویش و هر چه دقیق‌تر**

**توانستم در خود نگر بستم، تا سپیده**

**دهید و دیدم تنها کسی است که به**

**میقات آمده و نه کسی و نه میعادای و**

**دیدم که وقت ابدیت است. و میقات در**

**هر لحظه‌ای و هر جا. و تنها با خویش،**

**چرا که میعاد جای دیدار توست با**

**دیگری، اما میقات زمان دیدار است**

**و تنها با خویشتن و دیدم سفر وسیله**

**دیگری است، برای خود را شناختن…»**

**توجه به وضعیت داخلی عربستان سعودی**
بدلیل اختلافات عمیق فکری حاکمان کشور عربستان سعودی با نظام جمهوری اسلامی ایران و به‌ویژه بعد از ماجرای حج خونین در سال ۱۳۶۶.ش و سپس وقوع فتنه منا در سال ۱۳۹۴.ش، شناخت مردم عربستان و وضعیت سیاسی حاکم بر آنها، برای بخشی از سفرنامه‌نویسان مهم شده‌است. به همین علت بعضی از سفرنامه‌نویسان دهه‌های اخیر در حج نگاشت‌های خود، نگاه ویژه‌ای به تفکر حاکمان، قشر شناسی و وضعیت فرهنگی، سیاسی و اقتصادی کشور عربستان داشته‌اند. مثلا محمدناصری در سفرنامه حج خود با نام «جای پسای ابراهیم»، به وضعیت و برخورد مردم عربستان با حجاج ایرانی در سال ۱۳۷۰.ش، یعنی ۱۳سال بعد از داشتم، خواندم. به زمزمه‌ای برای مکه خونین و شهادت بیش از ۴۰۰ نفر از حاجیان ایرانی در سال ۶۶.ش توجه زیادی کرده‌است. ایشان در سفرنامه‌اش به برخورد برادرانه تعداد زیادی از جوانان و مردان عربستان، با زائران ایرانی اشاره می‌کند و حتی از حضور نوجوانان عربستانی با وجود جو خفقان آور مکه می‌نویسد که با استفاده از غفلت مأموران سعودی، خوششان را به مراسم پراتت‌ا مشرکین ایرانی‌ها رسانده بودند.
سفر وسیله دیگری است، برای خود را شناختن. اینکه خود را در آزمایشگاه اقلیم‌های مختلف، به ابزار واقعه‌ها و بر خورد دها و آدم‌ها سنجیدن و حدودش را به‌دست آوردن که چه تنگ است و چه حقیق است و چه پوچ و هیچ…<sup>۳</sup>

گرچه باید توجه داشت که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، توجه به ابعاد معنوی سفر حج در سفرنامه‌ها به اوج خود می‌رسد، چنانچه سفرنامه‌های حج بانو زینب‌السادات علویه همایونی از شاگردان بانو امین اصفهانی با عنوان «سفرنامه»، «حج عارفان» نوشته رحیم کارگر، «وصالی دوباره» نوشته‌نادر عطایی و…، لبریز از عالی‌ترین نکات معرفتی و عرفانی سفر حج است.

این تاریخ‌وی غیرتاریخی هست را دارند از بین می‌برند و جایش هتل و برج می‌سازند. از کنار مسجداحرام که نگاه می‌کنی تا چشم کار می‌کند، جر نقلی‌های بزرگ دارن در کنار می‌کند و کنار مسجدالحرام شده از فضای خیابان‌ها، اصلا فضا شکل دیگری دارد. داخل رستوران‌ها و هتل‌ها، همین زن‌های روبنده‌دار عرب، کاملا بدون حجاب ظاهر می‌شوند. طوری که فضا با غرغ هیچ تفاوتی نمی‌کند. گویا مردها فقط در خیابان‌ها نامرحمند. البته چنین وضعیتی در همه اقصا رفرقرار نبود و اقصا مذهبی و سفت و سخت هم طبیعتا وجود داشتند.»<sup>۴</sup>

**پژوهشگران و سفرنامه‌های حج**

چنانچه در بالا گفته شد، سفرنامه‌های حج دارای اطلاعات گوناگونی از زمانه، تفکسر و حالات ذوقی، عرفانی و معرفتی نویسندگان آن است. پس خواندن این سفر نامه‌ها، به شکل طبیعی موجب بالا رفتن سطح دانش و معرفت مخاطب می‌شود. اما مطالعه این سفرنامه‌ها برای پژوهشگران علوم انسانی به‌ویژه تاریخ‌پژوهان، دستاوردهای مهم‌تری خواهد داشت. در واقع تاریخ‌پژوهان با بررسی سفرنامه‌ها و به‌ویژه تطبیق دادن محتوای آنها باهم آ‌باد نظر گرفتن زمان نوشته‌شدن ششان، می‌توانند به شناختی روشن از تغییرات ساختاری و فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مردم مسلمان ایران و جهان اسلام دست پیدا کنند.

منابع:
۱- جعفریان، رسول، «مکه معظمه»-سفرنامه حج عبدالعزیزبن‌خان افشار ارومی -، نشر علم، چاپ ۱۳۲۶.ش
۲- ناظمی، نازبلا، «سفر روز به آخر دریا»-سفرنامه شاهزاده خانم قاجاری-، نشر اطراف، چاپ ۱۳۹۹.ش
۳- هدایتی، میرسیداحمد، «اصهان بار یافتگان»-سفرنامه حج-، به کوشش سیدعلی قاضی عسگر، مؤسسه فرهنگی هنری مشعر، چاپ اول ۱۳۸۹.ش، صص ۸۸و ۸۹
۴- جعفریان، رسول، «سفرنامه منظوم حج»، نشر مشعر، چاپ اول ۱۳۷۴.ش
۵- آل احمد، جلال، «حسی در میقات»، نشر فردوس، چاپ اول ۱۳۴۵.ش، صص ۷۸
۶- حسینی، سیمینجید، «عترافات شهر خدا»، انتشارات سوره مهر، چاپ اول ۱۳۹۲.ش، صفحات ۱۱۲، ۹۰ و ۲۱۴

تاریخ ایران

### تاریخ قشون قاجار به



کتاب «تاریخ قشون قاجار به» اثر دارپوش شهبازی را انتشارات ماهریس منتشر کرده است. این کتاب به بررسی قشون (سپاه) ایران پیش از دوران قاجاربه و پس از آن با روی کار آمدن آغامحمدخان قاجار که توانست سپاهی قدرتمند تشکیل دهد می‌پردازد؛ هرچند

قشون آغامحمدخان قاجار با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی که کشور در آن به سر می‌برد و به‌خاطر ضعف و بی‌لیاقتی پادشاهانی که پس از او روی کار آمدند دوام چندانی نیافت و با مرگ خان رو به اضمحلال و نابودی پیش رفت. نویسنده تاریخ ارتش قاجار را در دستور کار خود قرار داده و به بررسی دقیق آن و علل ضعف یا قدرتش در دوران پادشاهان این سلسله می‌پردازد.

در بخشی از این کتاب آمده است: «در دوره محمدشاه

هیچ‌گونه تحولی در امور نظام و قشون ایران رخ نداد. در

ابتدای این دوره انتخاب قائم مقام فراهانی به صدراعظمی

شانس خوبی بود، برای ایران تا او مانند امیرکبیر در امور

نظام، اصلاحاتی پدید آورد، ولی شورویختانه با قتل این

مرد بزرگ همه امیدها در این از تباطص از میان رفت و

بعد از او نه‌تنها تحول اصلاحی در قشون ایران به‌وجود

نیامد بلکه روند انحطاط قشون ایران که پس از معاهده

ترکمانچای آغاز شده بود، ادامه یافت و در بستر زمان این

نهاد ارزشمند که تضمین‌کننده استقلال و آزادی کشور

بود، مانند یخ، قطره قطره آب شد و اندک‌اندک کوچک و

کم‌اثر تر شد…».

### تاریخ

### سایه به سایه رضاشاه



کتاب «سایه به سایه رضاشاه»

اثر خسرو معتمدرا انتشارات

ماهریس منتشر کرده است.

یکی از مهم‌ترین راه‌های

اطلاص از وضعیت اجتماعی

و سیاسی کشور، رجوع به

خاطرات رجال مهم سیاسی

آن دوره است. مردان سیاست

که نقش‌های اساسی در

اداره آن‌کان مختلف کشور داشته‌اند، بی‌شک می‌توانند اطلاعاتی را از عملکرد خود و اطرافیان‌شان ثبت کنند که از دید مردم عادی و حتی تاریخ‌نگاران هم پوشیده باقی مانده است؛ چرا که این افراد به لایه‌های سری دولت و تصمیماتی که شاید هیچ‌گاه علنی نشود، دسترسی دارند. یکی از این افراد، سیدمحمد سجادی است که پس از کنارفتن سعیداهی، وزیر وقت راه در دوران پهلوی اول، در مقام سرپرست و کفیل این‌وزارتخانه آغاز به‌کار کرد. وی که از عقبه خانوادگی مشهوری برخوردار بود و تحصیلات خود را در مقطع دکتری حقوق به‌تمام رسانده بود، به‌مدت چندین سال در این منصب باقی ماند و خاطرات جالب توجهی را از عملکرد خود و همچنین تعاملات با رضاخان ثبت کرده است. خسرو معتمد، تاریخ‌نگار معاصر که عملکرد رضاخان را در آثار مختلفی بررسی کرده است، در کتاب سایه به سایه رضاشاه، تاریخ راه‌آهن سراسری ایران، نکاتی از اقدامات و کلیات وی را با تکیه بر خاطرات محمد سجادی جمع‌آوری کرده. خسرو معتمد (۱۳۱۱) تاریخ‌نگار، مجری و کارشناس «سفرنامه‌های تاریخ معاصر» در تلویزیون است.

### تاریخ قاجار

### تاریخ اجتماعی زنان در عصر قاجار



کتاب «تاریخ اجتماعی زنان

در عصر قاجار» اثر سمیه

سادات ششغینی را انتشارات

ثالث منتشر کرده است.

تاریخ اجتماعی زنان در عصر

قاجار به برخی زوایای پنهان

جامعه عصر قاجار

پرتو می‌افکند که معمولا در

تاریخ‌نگاری مرسوم به آن

توجه نشده یا کمتر به آن

توجه شده است؛ جامعه زنان و مسائل زنان.

کتاب مذکور می‌کوشد از میان همان منابعی که معمولا برای روایت تاریخ عصر قاجار به کار می‌رفته است یا به دست‌بردن به برخی منابع کمتر شناخته‌شده، خواننده را به دیده تاریک ببرد و با سرنوشته‌هایی فراموش شده آشنا کند، سرنوشته دختران، زنان و مادران ایرانی. از این رهگذر تصاویر جدید، نامنتظره و تأمل‌برانگیزی از زن و زنانگی در عصر قاجار به‌دست آمده است که خود می‌تواند سرخ‌هایی را برای طیف گسترده‌ای از مطالعات آتی در همین حوزه به‌دست دهد.

زنان به‌عنوان نیمه سرنوشته‌ساز جامعه، نیمه‌ای سرکوب‌شده، کمتر برخوردار و فرورفته زیر سازوکارهای مردسالار دوران قاجار در روایت‌های تاریخی آنچنان که باید دیده نشده‌اند. پژوهشگران کتاب تاریخ اجتماعی زنان در عصر قاجار به ما کمک می‌کنند تا به کوچمه پیکوچه‌ها و داستان‌های نانوشته زنان قاجار برویم و برخی آنکه‌های رایج و تأمل‌ناشده خود درباره زنان ایرانی را اصلاح یا تعدیل کنیم. این کتاب ۳۵۵صفحه است.